

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی  
پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی

# آئینه در ادب منظوم فارسی

استاد راهنما:

**دکتر احمد گلی**

استاد مشاور:

**دکتر یدالله نصراللهی**

پژوهشگر:

**مهتری کاظمی**

اسفند ماه ۱۳۹۲

تبریز - ایران



تقدیم به:

دست‌های ترک خورده پدر

و وجود نازنین مادرم

و پیشکش به

دل آینه سان تمام پدر و مادرانی که شکستند

تا آینه دل فرزندانشان نشکند.



## تشکر و قدردانی:

با استناد به خبر معتبر نبوی «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» بر خود وظیفه می دانم تشکر کنم از همه کسانی که در راه کسب علم و دانش، حرفی بر بنده آموختند و قطره ای از دریای بی کران خود را نثار بنده کرده و بنابه فرمایش حضرت امیر مرا بنده خود ساختند.

نخستین حمد و سپاس بی پایان، از آن یکتای بی همتایی است که آفرینش، آینه جمال بی مثال اوست و درود و تحیات پاک و بی انتها، نثار آینه بزرگ هستی، مظهر اسماء و صفات الهی محمد مصطفی (ص) و بر دل‌های آینه گون اولیایش به ویژه مولای متقیان علی (ع).

جا دارد از تمام معلمان و اساتید عزیزم که در طول امر تحصیل از مقطع ابتدایی تا کارشناسی ارشد از رهنمودهای آنان در طلب علم بهره مند شدم و به ویژه از استادان معزز و معظم گروه ادبیات دانشگاه که در امر تحریر پایان نامه از نکته نظرات خود بنده را مستفیض فرمودند، تشکر و قدردانی کنم.

تشکر و سپاس ویژه از آن استاد راهنمای عزیز و گرانقدرم، جناب آقای دکتر احمد گلی که با راهنمایی های خود، پدرانه همسفر بنده در مسیر تدوین پایان نامه بودند. هم چنین تشکر خالصانه از محضر استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر یدالله نصراللهی که با اشارات ظریف و نکته سنجی های دقیق خود همواره پیچ و خم های مسیر پایان نامه را بر بنده هموار کردند هم چنین ویژه ترین سپاس و تشکر ارزانی استاد داور و مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی، جناب آقای دکتر رحمان مشتاق مهر که زحمت داوری این پایان نامه را بر عهده گرفتند، بی نهایت سپاس گذاری می کنم.

تشکر و سپاس از دوست عزیزم خانم ندا مطعم اصل و تایپیست محترم پایان نامه خانم محمودی دارم و نیز از سایر کارمندان محترم کتابخانه ادبیات و مرکزی دانشگاه که دست بنده را به یاری فشرده، قدردانی می کنم.

تشکر بی حد و کران، نثار خانواده عزیز و ارجمندم به ویژه پدر و مادر مهربان و دلسوزم که لحظه لحظه ثانیه های عمرم را مدیون دعای خیر ایشانم و هم چنین خواهر عزیزم که در چند هفته اخیر نقش استاد راهنمای دوم را به خوبی ایفا کرد. و در نهایت از کلیه کسانی که به هر نحوی مرا

یاری کردند تشکر می کنم و اگر نامی از آنها در این پایان نامه نیست، حکایت از نبودن یاد نیست و  
خرده بر قلم می رود نه بر کاتب.

مهری کاظمی

اسفند ماه ۱۳۹۲

تبریز، ایران

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یک	چکیده
دو	پیشگفتار
سه	تعریف و بیان مسئله
سه	پیشینه تحقیق
چهار	فرضیه ها و اهداف
۱	مقدمه

## فصل دوم: آئینه در ادب منظوم فارسی

### بخش اول: آینه، پیوندها و متعلقات آن

۱۳	۱-۱- آینه و اجرام طبیعت
۱۳	۱-۱-۱- آینه و اجرام آسمانی
۱۵	۱-۱-۲- آینه و اجرام زمینی
۱۵	۱-۲-۱- آینه و جمادات
۲۱	۱-۲-۲- آینه و مایعات
۲۷	۱-۲-۳- آینه و موجودات
۱۰۷	۲-۱- آینه و باورهای عامیانه
۱۲۲	۳-۱- آینه و تصوف

۱۳۲	.....	۱-۴-آینه و جنس آن
۱۳۹	.....	۱-۵-آینه و زنگ زدگی آن
۱۴۵	.....	۱-۶-آینه و شغل های انسانی
۱۴۸	.....	۱-۷-آینه و صیقل
۱۵۴	.....	۱-۸-آینه و عناصر دیگر
۱۶۹	.....	۱-۹-ویژگی های آینه
۱۶۹	.....	۱-۹-۱-ویژگی های پشت آینه
۱۷۰	.....	۱-۹-۲-ویژگی های روی آینه
<b>بخش دوم: آینه و صورخیال</b>		
۲۰۹	.....	۲-۱-تشبیهات مربوط به آینه
۲۷۲	.....	۲-۲-استعارات مربوط به آینه
۲۷۶	.....	۲-۳-جانبخشی های مربوط به آینه
۲۸۰	.....	۲-۴-امثال و حکم مربوط به آینه
۲۸۳	.....	۲-۵-کنایات مربوط به آینه
۲۹۱	.....	<b>بخش سوم: آینه و ترکیبات آن</b>
۳۱۶	.....	<b>بخش چهارم: آینه دل</b>
۳۴۵	.....	نتیجه
۳۴۶	.....	فهرست منابع

## چکیده

از جمله عناصر مهم و مضمون‌ساز در ادب منظوم فارسی، واژه و تعبیر آینه است. توجه به آینه، کیفیت و چگونگی پیدایش آن، پیوندها و متعلقات مربوط به آینه، ترکیبات اسمی و فعلی ساخته شده با آینه و در نهایت، صور خیال مدّ نظر شعرا در پیوند با آینه در شعر تمامی شاعران به چشم می‌خورد. بیان نکاتی جالب و خواندنی از آینه که در اشعار شاعران به آن اشاره شده است، گاهی چنان مباحث شیرین و دلکش را رقم می‌زند که خواننده را به تحیر و آفرینش مضمون از عنصر آینه در حوزه شعر عرفانی و اشعار شاعران سبک هندی از بسامد بالایی برخوردار است به طوری که جمع کردن ابیاتی که در آن‌ها آینه به کار رفته است خود دیوان مستقلی به وجود می‌آورد. هرچند بعد از شاعران هندی، شاعران معاصر نیز توجهی ویژه به آینه کرده اند که این توجه، بیشتر در قالب درد دل خود را نمایان کرده است.

کلمات کلیدی: آئینه، ادب منظوم، تعابیر و تصاویر



## پیشگفتار

آینه، وسیله ای است که همه ما در زندگی روزمره چندین بار خود را مقابل آن تماشا می‌کنیم و شاید کمتر روزی باشد که کسی بدون توجه از کنار آن رد شود، این وسیله پرکاربرد، بنده را بر آن داشت تا عنوان « آینه در ادب منظوم فارسی » را به گروه پیشنهاد کنم تا پایان نامه ای با این عنوان به جامعه ادبی تقدیم کنم و بعد از تأیید موضوع از طرف گروه نوشتن پایان نامه شروع شد. هرچند در ابتدا تصور این که می‌توانم از عهده نوشتن پایان نامه ای با این عنوان گسترده برآیم یا نه، فکر مرا بیش از هر چیزی به خود مشغول می‌کرد اما با توکل به عنایات ربانی و سعی و تلاش بی وقفه، تحقیق در این حوزه را شروع کردم در اوایل کار همچون گمشده‌ای در این راه نمی‌دانستم مطالب را از کجا و چگونه آغاز کنم و فکر این‌ها بیش از خود پایان نامه مرا زجر می‌داد تا این که با جست و جوی بسیار دقیق و ظریفانه از لابلاهای کتابهای منظوم توانستم شواهدی چند برابر پایان نامه‌های دیگر پیدا کنم چیزی که بر سنگینی کار می‌افزود بررسی آینه در کل ادبیات منظوم از آغاز تا زمان معاصر بود. از آنجایی که فرصت کافی برای تحریر وجود نداشت، با تلاش‌های شبانه روزی توانستم پایان نامه را به اتمام برسانم.

خلاصه بعد از تهیه حدود چندصد صفحه فیش، مرحله اولیه تدوین رساله را به پایان رساندم و بعد از طبقه بندی یادداشت‌ها پیشنهادهای استادان محترم راهنما و مشاور را در روند سازماندهی مطالب به کار بستم.

البته لازم به ذکر است که در نوشتن پایان نامه و آوردن اشعار شاعران، تقدّم زمانی هریک از شعرا نسبت به دیگری رعایت شده است، هرچند اگر در بعضی جاها این تقدّم و تأخر برهم خورده و جایگزین هم شده‌اند، دلیل آن ارتباط موضوعی و پیوستگی طولی مطالب، با یکدیگر است. تمامی مباحث پایان نامه به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است به غیر از بخش دوم، که بر مبنای اهمیت موضوع، تدوین شده است نه بر اساس حروف الفبا. هم‌چنین در بهره‌گیری از تمامی منابع سعی شده است رسم الخط‌های موجود در آن‌ها رعایت شود از این رو در کل پایان نامه با دو نوع رسم الخط مواجه می‌شویم: یکی رسم الخط نوین و دیگری رسم الخط متون چاپی.

در تحریر پایان نامه تا آنجایی که در حدّ توان بود از منابع معتبر استفاده کردم و اگر گاهی منابع غیر معتبر یا دست دوم در لابلاهای منابع به چشم می‌خورد نشان دهنده شفافیت توضیحاتی است که در این منابع جانبی وجود داشت و در منابع معتبر احساس نمی‌شد.

## تعریف و بیان مسأله

آئینه یکی از مضامین رایج، در ادب منظوم فارسی و یکی از هزاران عنصر مهم شعر فارسی است که در ادب عرفانی و غیر عرفانی مورد توجه قرار گرفته و در شعر شاعران به گونه های مختلف حقیقی و مجازی استعمال و از آن، تصاویر و تعابیر متنوعی خلق شده است که اغلب این تصاویر، حاصل پیوند عناصر نمادین است که باعث گستردگی دامنه معنایی گشته است. این رساله بر آن است که به ارتباط عناصر نمادین با ترکیبات پرکاربرد و عناصر دیگر مثل آب، خاکستر، سنگ، دل و ... پرداخته است و به پیوند آن ها با یکدیگر و نیز خود واژه آینه و کاربرد آن در فرهنگ و بازتاب آن در متون منظوم فارسی و مناسبات مختلف آن از جمله عروسی و دربار شاهان و ... بررسی های لازم انجام شده است و باورها و اعتقادات گوناگونی که درباره آن در اشعار منعکس شده است، تبیین و تحلیل گشته است.

## پیشینه تحقیق

از منابعی که به طور مستقیم به مضمون آینه پرداخته و به نوعی پیشینه این رساله محسوب می - گردد، می توان به چهار مقاله و دو پایان نامه اشاره کرد و آنها عبارتند از:

۱- رساله کارشناسی ارشد با عنوان آینه در شاهکارهای ادبی تا قرن هشتم از سیده فریبا موسوی، دانشگاه تربیت معلم

۲- رساله کارشناسی ارشد با عنوان آینه در ادب صوفیانه فارسی با تکیه بر آثار(سنایی، عطار، نظامی، مولانا، سعدی، عین القضاة) از محترم غم انگیز، دانشگاه زنجان

۳- مقاله آینه سکندری از مصطفی موسوی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز

۴- مقاله ای با عنوان آینه مضمون سازترین عنصر شعر بیدل از ابوالفضل مهدوی اقدام و احمد گلی، نامه پارسی

۵- مقاله ای با عنوان بررسی سطوح زبانی، ادبی و مفهومی موتیو آینه در شعر شهریار از غفار برجساز و شهلا خلیل الهی، بانوان حلقه ذکر

۶- مقاله شاعرآینهها(بررسی جایگاه ویژه اشیا در شعر ژاله قائم مقامی) از نعیمه آرنگ، کتاب ماه ادبیات

## فرضیه ها و اهداف

- آئینه در ادب منظوم فارسی در هر دو معنای حقیقی و مجازی استعمال شده است.
- آئینه خصوصاً در حوزه متون عرفانی اغلب در تعابیر نمادین دارای هاله های معنایی متعدد به کار رفته است.
- استخراج و تبیین استعمال و کاربرد آئینه در معانی و تعابیر مختلف و استفاده شاعران از آن، جهت بیان مفاهیم و مقاصد مورد نظر خود، از اهداف پژوهش است.
- تصویر و مضمون سازی با آینه، در شعر فارسی متنوع است.

## الف- بحثی در واژه شناسی آینه

از عناصر مهمی که بشر از گذشته های دور تاریخی، بدان توجه کرده، آینه و دیدن نقش و نگار خود در آن بود. از این رو، بدون شک می توان گفت که «از آن روزگار که بشر، پا به عرصه وجود گذاشت احتیاج به آینه را حس کرد. این احتیاج روز به روز فزونی گرفت و برای رفع این نیاز بشر اولیه از آینه طبیعت یعنی آب استفاده کرد. باید دانست که همین آب بشر را به شناختن آینه رهنمون شد و به داشتن آن رهنمون کرد.

«اگر به نظر بیاوریم که انسانهای اولیه برای نوشیدن آب ناچار بودند به داخل نهر یا حوضچه- های طبیعی خم شوند، در می یابیم که از کجا بشر به خاصیت انعکاس تصویر پی برد و به داشتن وسیله ای که بتواند صورت خود را به راحتی در آن ببیند علاقه مند شد» (سمسار، ۱۳۴۲، ص ۲) پس، از همین جا می توان مهم ترین ویژگی آینه را قدرت تصویرگری آن بیان کرد. اما با وجود این، تعریف- های مختلفی در فرهنگ ها برای آینه ارائه شده است. « درباره ریشه لغت آینه میان صاحب نظران اتفاق آراء وجود ندارد. چنان که گروهی به این دلیل که ساخت اولیه آن از آهن بوده است « آینه » را مرکب از آین... و های نسبت دانسته اند.

و عده ای « آینه» را با توجه به موارد کاربرد آن در آذین بندیها و نیز بدان جهت که آلتی است که مردم برای زینت و آرایش خود بدان می نگرند مرکب از «آیین» ... و های نسبت دانسته اند» (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۱۰) عده ای، هم باور دارند که « آینه از نظر واژه شناسی از ادونک (advenak) آمده که به معنی شکل و دیدار و یکی از نیروهای تشکیل دهنده انسان است» (انوشه، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰) و برخی معتقدند که آینه واژه ایرانی باستانی است از ریشه adoyanake که « مرکب است از a (پیشوند) و dayanake مشتق از ریشه day «دیدن»» (حسن دوست، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۸) یا « مشتق از ریشه di (پارسی باستان didiy بین، پارسی دیدن) یعنی آلتی که خود را در آن ببینند» (برهان، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۷۴) بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که « آینه و آهن با آفرینش انسان ارتباط

مستقیم دارند... هرمزد، وجود انسان را از پنج بخش (تن، جان، روان، آینه و فرو هر) آفریده است»  
(غنی پور ملکشاه، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

با توجه به مطالب بیان شده در مورد آینه می توان گفت که آینه به « سطح صیقلی از شیشه صاف یا فلز» (مشیری) « که در قدیم از آهن مصقول میساختند» (گوهرین) و « پشت آن را جیوه اندود» (نفیسی) می کردند تا « به علت صافی و بازتاب بالایش، بر رویه خود، تصویر اجسام را نشان» (ویکی پدیا) بدهد، تعریف می شود که « دارای اشکال مختلفی است» (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۱۱).

## ب- آینه در اساطیر و تاریخ

در مورد کیفیت و چگونگی آفرینش آینه توسط انسان آمده است: « بنابر اساطیر ایرانی، انسان کیهانی در نخستین نوروز بر اثر آمیختن فرو هر مینوی با نیروهای دیگر شکل گرفت. از این رو آینه هم چون یک نماد در بالای خوان نوروزی و سفره عقد نهاده می شود» (انوشه، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰).

از جمله مباحث قابل تأمل در مورد آینه، ارتباط آینه و اسکندرست « که آمیزه ای است از افسانه و واقعیت» (همان). بحث در مورد این که آیا آینه قبل از اسکندر وجود داشت یا نه، از مسائل مبهم ادبیات فارسی است، اما آن چنان که از کتب مربوط بر می آید « آینه پیش از اسکندر ساخته نشده بود، به تدبیر او پرداخته و زدوده گشت. نخست زر و نقره را آب کردند و از آن آینه ساختند، پیکر خویش را در آن ندید، هر یک از گوهرها را می آزمود تا سرانجام به آهن روی آوردند و نقش و نگار گوهر آهن را پذیرفت و خود را در آن نمایان ساخت.

چون نگارگر و رسام آهنگر، آهن را پرداخت و صاف کرد و زدود، با صیقل دادن گوهر آهن فروزنده شد و درخشید و نگارگر و رسام، عکس همه پیکر خود را در آن دید. نخست آن را به شکل های گوناگون می ساختند هیچ صورت پیکری را درست نشان نمی داد، پهن می ساختند، چهره را پهن نشان می داد، دراز می ساختند، دراز نشان می داد، چهار ضلعی و شش ضلعی شکل و پیکر را بر خلاف نشان می داد تا سرانجام آن را به شکل دایره ساختند و راست و درست صورت و عکس را نشان داد» (کریستن سن، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۵۸).

به هر شکل می ساختندش نخست	نمی آمد از وی خیالی درست
به پهنی شدی چهره را پهن ساز	درازش کردی جبین را دراز...
چو شکل مدور شد انگیخته	تفاوت نشد با وی آمیخته
بعینه به هر سو که برداشتند	نمایش یکی بود بگذاشتند
بدین هندسه ز آهن تیره مغز	بر افروخت شاه این نمودار نغز...
چو از دیدن روی خود گشت شاد	یکی بوسه بر پشت آینه داد

(نظامی، اسکندرنامه(شرف نامه)، ۱۳۸۴، صص ۲-۹۷۱، ب ۲۹-۲۰)

### - آینه اسکندر

هرچند در روایت های دیگری آمده که « آینه را معمولاً تجار از کشورهای روم، چین، حلب به ایران می آوردند و نام آینه های چینی، رومی و حلبی از آنها به یادگار مانده است» (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۵) و یا اینکه « آینه های کروی از زمان یونانیان باستان شناخته شده بودند» (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۱۲) ولی با این حال « در اغلب متون - از جمله اسکندرنامه و شاهنامه - از انتساب آینه به اسکندر سخن رفته است» (انوشه، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰)

گزارنده نقش دیبای روم	کند نقش دیباچه را مشک بوم
که چون شد سکندر جهان را کلید	ز شمشیرش آینه آمد پدید
عروس جهان را که شد جلوه ساز	بدان روشن آینه آمد نیاز
نبود آینه پیش از او ساخته	به تدبیر او گشت پرداخته

(نظامی، اسکندرنامه(شرف نامه)، ۱۳۸۴، ص ۹۷۱، ب ۱۳-۱۰)

وقتی داراب بر تخت نشست، «اسکندر حصه خود را از ملک پدر از داراب بخواست، داراب اطاعت نکرد و کار بجنگ کشید، هرگاه اسکندر سپاهی آماده هجوم میساخت داراب در جام گیتی

نمای می‌دید و دفع می‌کرد ولی اسکندر از قلمرو داراب بی خبر بود» (مرتضوی، بی تا، ص ۴۴) بنابراین اسکندر در پی ساختن آینه‌ای برآمد تا او را از وضع کشورهای دیگر باخبر کند، پس « چون اسکندر شهر اسکندریه در سرحد فرنگ معمور کرد در آن شهر بر کنگره دریا برای آگاهی از شورش اهل فرنگ مناره‌ای بنا کرد و آئینه‌ای از حکمت و طلسم ساخته بر آن نهاده<sup>۱</sup> و دیدبانی معین کرد تا تهیه آمدن ایشان در آن آئینه دیده فوج سکندر را آگاه گرداند»<sup>۲</sup> (رامپوری).

به آیین کیخسرو تختگیر	که برد از جهان تخت خود بر سریر
بفرمود میلی برافراختن	بر او روشن آئینه‌ای ساختن
که از روی دریا به یک ماهه راه	نشان باز داد از سفید و سیاه
بدان تا بود دیده بانگاہ تخت	بر او دیده بانان بیدار بخت
چو ز آئینه بینند پوشیده راز	به دارنده تخت گویند باز
اگر دشمنی ترکتازی کند	رقیب حرم چاره سازی کند

(نظامی، اسکندرنامه (شرف نامه)، ۱۳۸۴، صص ۳-۱۲۸۲، ب ۵۱-۴۶)

اما «شبی بر اثر غفلت نگاهبانان، فرنگیان آن آینه را در آب انداختند و اسکندریه را آتش زدند» (شمیسا، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲) وقتی خبر به اسکندر رسید، اسکندر بار دیگر « آن آئینه را از دریا برآورده بر سر مناره نصب کرد، از آنوقت ایشان بر آن تصرف نیافتند» (رامپوری). البته به روایت دهخدا « ارسطو به فسون و اعداد آنرا از قعر دریا برآورد» (دهخدا) « به همین دلیل در نظر صائب، آئینه برای اسکندر، حکم آب حیوان را دارد» (غنی پورملکشاه، ۱۳۹۱، ص ۹۵) در مورد صحت این ماجرا در کتاب آئینه

---

۱- « آئینه‌ای که بر فراز مناره بحری شهر اسکندریه برای راهنمایی دریانوردان نصب شده بود - در شمال شرقی فارس نیز مناره بحری وجود داشته که خراب شده و بعدها حصار شیراز بر روی آن بنا شده» (ادیب طوسی).

۲- « آینه را بالای مناره قرار داد و دیده بان ها اطراف آن می نشستند و هنگامی که در نور آینه دشمنی را در دریا می دیدند به دیگری آنان بودند خبر می دادند» (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۷).

سکندری آمده است که « این داستان به خودی خود نا محتمل است » (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۹).

آینه اسکندر « به دلایلی در شعر فارسی با جام جم، جام اسکندر، جام کی خسرو، شراب، خضر و سلیمان مربوط شده و از آن تعبیرات گونه گونه شده است » (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۲) بنابراین « از آینه اسکندر » همان مفهوم « جام جم » اراده شده و درک اسرار عالم بدان احاطه گشته « (مرتضوی، بی تا، ص ۴۴) است :

آینه سکندر جام می است بنگر  
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

(حافظ، ۱۳۷۶، ص ۲۱، ب ۵)

### - مواد و مصالح آینه

یکی از بحث های قابل توجه در مورد آینه، چگونگی ساخت آینه و لوازم به کار برده شده در ایجاد آن است. خمیرمایه اولیه آینه، با سنگ، فلزات از جمله آهن و در نهایت شیشه برآورد شده است.

« پاره ای از سنگ ها، قابلیت آینگی داشته و صورت اشیا و اجسام را در خود منعکس می کرده- اند » (غنی پور ملکشا، ۱۳۹۱، صص ۲-۹۱).

بعد از سنگ، نوبت فلزات از جمله آهن بود که خاصیت تصویرگری را در خود به نمایش بگذارد. « با توجه به این که آهن و سنگ از اختراعات اولیه انسان نخستین است، پیشینه آینه - نه آینه به صورت امروزی - به همان دوران ابتدایی کشف فلزات برمی گردد » (غنی پور ملکشا، ۱۳۹۱، ص ۹۱) بنابراین آینه « مرکب از آهن بمعنی زیب و آرایش... چه از دیدن آینه زینت و آرایش میکنند، اما آنکه در اصل آینه بود، آهن بزبان گیلان آهن را گویند و ظاهرست که آینه در اصل از آهن ساخته شده بود » (رامپوری) « و ارتباط آن با « آهنه » بدان دلیل است که آهن در ساخت آینه کاربرد فراوانی داشته است و به همین اساس « آینه » را از « آهنه » یعنی ساخته شده از آهن نیز می گفتند » (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۱۱).

« بعد از آینه های فلزی نوبت آینه های شیشه ای رسید و شیشه ای که برای آینه بکار می بردند کاملاً بی رنگ نبود و به علت داشتن مواد زائد، رنگ این شیشه ها به سبز مایل بود. به همین جهت این قبیل آینه ها قیافه و اندام سفید را اندکی سبز نشان می دهد » (برات زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۲۹).



آینه های شیشه ای در ابتدا با سرب ساخته می شدند ولی سپس استفاده از جیوه و قلع به جای سرب رواج یافت.

آینه در ادوار مختلف تاریخی، در زندگی مردم حضور داشته و مورد توجه سلسله های گوناگون، واقع می شد، در واقع « هر تغییر مهمی که در زندگی ایرانیان روی می دهد، پای آینه به میان می آید و بی گمان این همراهی با آینه در نقاط عطف زندگانی، بی دلیل نبوده است» (سرامی، ۱۳۹۱، مقدمه) در هزاره سوم قبل از میلاد « لوازم آرایشی مانند آینه های مسین که تقریباً به شکل صفحه ای محدب بود، پدید آمد» (گیرشمن، ۱۳۸۰، ص ۳۵).

در زمان **مادها**: « آینه های مفرغی در این زمان دارای دسته ایست به شکل زنی عربان مانند ستونی که مجسمه زن باشند» (همان، ص ۱۰۲).

در زمان **هخامنشیان**: « هخامنشیان که آن ها با صیقل دادن سنگها و فلزات، آنها را به آینه های شفاف تبدیل می کردند» (ویکی پدیا) اما « متأسفانه از دوره امپراطوری باعظمت هخامنشی آینه ای تاکنون به دست نیامده است» (سمسار، ۱۳۴۲، ص ۳).

در زمان **سلوکیان**: « از دوره سلوکی آینه مفرغی مدوری در کرمانشاه به دست آمده. نقش پشت این آینه عبارت است تعدادی دایره های داخل هم که با خطوط موازی تزیین یافته است» (همان)

در زمان **ساسانیان**: « در میان اشیاء مکشوفه متعلق به دوره ساسانی نیز آینه کوچک مدوری وجود دارد که در املش کشف شده جالب توجه این که این آینه هنوز جلا و درخشندگی خود را حفظ کرده است» (همان) نقش پشت این آینه دارای « چهار برگ متقابل است که به وسیله دایره های متحدالمرکزی احاطه شده اند» (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۷).

در زمان **سلجوقیان**: « دو آینه تاریخ دار... ساخته شده ... این آینه ها با شکل بروج فلکی و حاشیه ای با شکل حیوانات تزیین شده ... آینه های دوره سلجوقی دارای مناظر شکار است» (دیماند، ۱۳۶۵، ص ۱۳۹).

در زمان **صفویان**: « در میان تحف و هدایایی که از ممالک خارج به دربار ایران می رسید، تعداد زیادی آینه های بزرگ سنگی نیز موجود بود و بعد از دوره صفوی نیز ارسال این آینه ها به عنوان هدیه از طرف پادشاهان به دربار ایران ادامه داشت» (سمسار، ۱۳۴۲، ص ۵) « در دوره صفوی ساختن آینه های فلزی ادامه یافت، آینه های این عصر نیز مانند سایر لوازم فلزی عصر صفوی زیبا و

پرنقش و نگار است» (همان) زیرا « بتدریج با پیشرفت صنعت آینه سازی این اشکال و نقوش زیبا، متنوع تر از قبل شد و غالباً با نقوش گلها، گیاهان، پرندگان، حیوانات خطوط تزئینی و حتی گاهی ادعیه پشت آینه ها را می آراستند اما این نقوش در دوره صفوی پرنقش و نگارتر و ظریف تر و زیباتر از دوره های قبل است» (موسوی، ۱۳۷۴، صص ۸-۷).

## - شکل و طرح آینه

در دوره اسلامی: « آینه های ساخته شده در دوره اسلامی بیشتر آینه های بی دسته اند. البته آینه های دسته دار نیز ساخته می شد که تعداد آنها کمتر است. این آینه ها صفحاتی مدورند که یک طرف آن دارای نقش برجسته شامل تصاویر حیوانات، گل و گیاهان مختلف، خطوط تزئینی و طرف دیگر به خوبی صیقل گردیده است.

معمولاً در پشت این آینه ها قسمت برجسته سوراخ داری است که از آن نخ می گذرانند و به این ترتیب آینه قابل آویزان کردن می شد.

آینه های دسته دار اغلب دارای دسته های سوهان کاری شده و یا قلم زده و برجسته اند» (سمسار، ۳۴۳، ص ۴) در این دوره « نقاشان ... بعضی اوقات برای آرایش سقف ها و دیوارهای کاخها نقوش و رسومی بکار می بردند و علاوه بر این در آرایش دیوارها آئینه و پارچه های پر بها را نیز نصب مینموده اند» (زکی، ۱۳۶۶، ص ۴۹).

« آینه این سطح شفاف و درخشان که امروزه جزو لوازم ضروری هر خانه ای است و هر روز بارها چهره خویش را در آن می بینیم سرگذشتی جالب و گذشته ای دیرین و شنیدنی دارد و از قدیم الایام با بشر همراه بوده است و دوران ظهورش مقارن سالهای نخستین نشو و نمای تمدن بشر است. اولین رد پایش را در کهن ترین تمدنهای بشری می توان یافت مثلاً قدیم ترین آینه در تمدن ایران زمین آینه ای مسینی است متعلق به هزاره چهارم قبل از میلاد، که از حفریات تپه « سیلک کاشان» بدست آمده است همینطور آینه های مدور برنزی متعلق به هزار تا سه هزار سال قبل از میلاد از حفریات حصار دامغان، شوش، فارس، املش یافته شده اند، آنچه از حفریات آثار باستانی مصر بدست آمده است نشان می دهد که زنان مصر در هزاره سوم قبل از میلاد آینه های برنزی استفاده می کردند آینه های مورد استفاده یونانی ها و رومی های باستان نیز تا آنجا که ما می دانیم همانند آینه های مصریان باستان بوده است.

بر اساس پژوهش های باستان شناسی در ایران، آینه های به جا مانده از دوره های هخامنشی، سلوکی، و ساسانی اکثراً فلزی و دسته دار و با صفحه ای مدور هستند؛ و پشت آنان با نقوش ساده از انواع گل تزئین شده است. آینه های دوران اسلامی فلزی و به شکل مدور و غالباً بی دسته اند و پشت آنها دارای نقوشی برجسته از حیوانات، گل‌های مختلف و خطوط تزئینی است» (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۵).

### - کاربرد آینه

آینه در هر جنس و دوره ای که رواج داشت، دارای کاربردهای متفاوتی بود، از جمله کاربردهای آینه در زندگی روزمره، به کارگیری آن در آرایش، پزشکی و جنگ بود.

از جمله موارد به کارگیری آینه در آرایش، توسط آینه دار بود؛ آینه دار « بمعنی کسیکه آئینه را بکسی نماید» (اکبرآبادی) و « به معنی سلمانی و آرایشگر و مزین در کتب لغت آمده است، چه سلمانی در محله ها با حمام آئینه بی می نهاد و به اصلاح مشغول می شد» (شمیسا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۶) علاوه بر آینه دار، آئینه بر انگشتی نشانیدن نیز به عنوان زیور و آرایش دست به کار می رفت و این « رسم زنان هندوستانست که انگشتی سازند و آئینه در آن نشانده در نر انگشت کنند» (اکبرآبادی) همچنین در عروسی ها با قرار دادن آینه روی شانه عروس او را می آراستند و این همان آینه گردن است؛ یعنی « آئینه کوچکی که دور آن را طلا یا نقره میگیرند و بشانه راست عروس می آویزند» (سروشیان، ۱۳۷۰، ص ۳).

کاربرد آینه در پزشکی با اصطلاح آینه پیش نفس داشتن و بر نفس داشتن به کار می رود و این « کنایه از حالتی است که در احضار و قربت موت آئینه را در پیش نفس بیمار گذارند تا معلوم کند که میت است یا سگته دارد» (اکبرآبادی) زیرا وقتی نفس فرد به آینه برخورد می کند، آینه گرفتار تیرگی می شود.

تا چه کند با رخ تو دود دل من آینه دانی که تاب آه ندارد

(حافظ، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸، ب ۴)

آینه در جنگ ها نیز دارای کاربردهای متنوعی بود که از جمله آن ها آتش کشیدن مهاجمان توسط آینه در جنگ ها، بستن آینه بر پیشانی اسب ها و بستن آینه به پیل ها بود. « دانشمندان از مدتها پیش ویژگی های آینه های تخت و کوژ و کاو (محدب و مقعر) را می شناختند و حتا با بهره از

آنها برای متمرکز کردن نور آفتاب و سائیلی را برای به آتش کشیدن اجسام اختراع کرده بودند. حتا در این مورد افسانه ای وجود دارد که می گویند ارشمیدس دانشمند نامدار سده سوم پیش از میلاد بوسیله شبکه ای از اینگونه آینه‌ها، کشتیهای بادبانی مهاجمان رومی را به آتش می کشیده است، تا اینکه فرمانروای روم سرانجام در شب موفق به تسخیر شهر «سیراکوز» می گردد. آینه برآمده یک آینه قدیمی است» (ویکی پدیا).

در مورد بستن آینه به پیشانی اسب ها در نبرد، ترجمه تفسیر طبری می نویسد: آینه « نام صفحه‌ای آهنی صیقلی درخشان که در میدان جنگ بر پیشانی اسب می بستند تا در اثر تابش آفتاب در آن، چشم دشمن را خیره و اذیت کند» آمده است» (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۱۱) و در مورد آینه بر پیل بستن گفته اند: « تابهای آهنی مصیقل و پر جلا که در جنگها بالای برگستوان پیل نصب کنند تا زخم بر پیل نرسد» (رامپوری).

بعد از بیدل دهلوی، هرچند شاعران دیگر نیز به آینه توجه کرده اند ولی شاید هیچ کدام به پای ژاله نمی رسد « نگاه ژاله به آینه محصول تنهایی، بی همدمی و زیستن رنجبار اوست» (آرنگ، ۱۳۸۹، ص ۵۲) که با آینه به درد دل می نشیند.

### - اصطلاحات آینه

در میان اصطلاحات به کار برده شده به وسیله شاعران در مورد آینه، آینه دق نیز به چشم می خورد؛ آینه دق «در اصل آینه است با سطح ناصاف که تصویرها را کج و غیر واقعی و یا زشت و کزیه نشان می دهد» (شریفی، ۱۳۸۷، ص ۵۳) در مورد آینه دق، فرهنگ ها مطالبی چند بیان کرده‌اند:

« ۱) آینه های موج یا مقعر و محدب که در نمایشگاه ها یا تفریحگاهها می گذارند کسی که در برابر آن می ایستد خود را به اشکال عجیب و غریب مشاهده می کند: گاه با شکم بسیار برآمده و هیکل خپله و دهان گشاد و چشم های تنگ، گاه با اندام بسیار باریک و دراز و سر و پای سخت بزرگ و بی تناسب، و جز این ها...

۲) آینه کدر و ناصافی که شخص بی خبر، با مشاهده چهره خود در آن، از سلامت خویش مأیوس می شود. در افسانه ها هست که نامادری، چنین آینه ای در اختیار دختر شوهر زیباروی خود می گذارد و با وسوسه های مداوم سبب می شود که دخترک به مسلول بودن خود اعتقاد یابد و رفته رفته به تلقین نامادری و با مشاهده رخسار خود در آن آینه، یکسره بیمار شود و نامادری به نیت ناپاک خود که رهایی از وجود اوست نائل آید.